

نیویورک تایمز انگیزهٔ اقدام شکست خوردهٔ اسرائیل برای حمله به یک زندان را افشا کرد

رمزگشایی از جنایت اوین



علی ملکی خبرنگار گروه سیاست

روزگذشته روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز تأیید کرد حمله به زندان اوین بخشی از تلاش رژیم صهیونیستی برای ایجاد شکاف، شورش و بی ثباتی در ایران بوده است. خبرنگاران این روزنامه با استناد به منابع اطلاعاتی و تحلیلگران امنیتی غربی تأکید کردند یکی از اهداف حمله، تحریک زندانیان به شورش و کشاندن بحران به داخل شهرها از طریق موج اعتراضات خانوادگی، رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی بود. این روایت، یادآور حوادث مشابه سال ۱۴۰۱ است؛ هم‌زمان با تحریک افکار عمومی و ایجاد ناآرامی‌هایی در کشور، امنیت داخلی به چالش کشیده شد. در آن زمان نیز یک آتش سوزی در همین زندان رخ داد و بخشی از برنامه دشمن به ایجاد بحران در زندان‌ها و حمله یا شورش در مراکز حساس مانند زندان اوین متکی بود، اما موفقیت آمیز نبود. اکنون به نظر می‌رسد، رژیم صهیونیستی تلاش کرده نسخه‌ای خشن‌تر و مستقیم‌تر از همان نقشه را مجدداً اجرا کند؛ موضوعی که حتی روزنامه‌های آمریکایی هم به آن اعتراف می‌کنند.

■ ■ ■

■ **نیویورک تایمز: حمله به اوین برای ایجاد آشوب بود**

بر اساس اعلام مقامات رسمی، در حمله روز دوم تیر ماه، بخش‌هایی از زندان اوین از جمله ساختمان ملاقات مردمی، بهداری و نواحی اداری هدف قرار گرفت و نزدیک به ۸۰ نفر از جمله خانواده‌های زندانیان، کادر درمان، کارمندان اداری و زندانیان به شهادت رسیدند یا مجروح شدند. جنایتی که بی هیچ ابهامی مصداق نقض فاحش حقوق بین الملل است.

نیویورک تایمز در گزارشی مفصل فاش کرد حمله ۲ تیر ماه به زندان اوین بخشی از یک عملیات هماهنگ نظامی و روانی از سوی رژیم صهیونیستی بود که با بهره‌گیری از فناوری هوش مصنوعی و بیستر شبکه‌های اجتماعی اجرا شده است. به‌نوشته این روزنامه آمریکایی، ساعاتی پیش از آنکه جنگنده‌های اسرائیلی زندان اوین را هدف قرار دهند، پست‌هایی در شبکه‌های اجتماعی فارسی‌زبان منتشر شد که از وقوع یک حمله قریب‌الوقوع خبر می‌دادند و مردم را به شورش و آزادی زندانیان فرا می‌خواندند. لحظاتی پس از وقوع انفجار نیز ویدئویی مشکوک در تلگرام و پلتفرم ایکس منتشر شد که انفجار در ورودی زندان را به تصویر می‌کشید و با هشتگ «#آزادی_اوین» همراه بود.

نیویورک تایمز همچنین می‌نویسد ویدئوها و فراخوان‌های پیش‌پس از حمله بخشی از یک عملیات روانی ساختگی بودند که توسط منابع وابسته به اسرائیل سازمان‌دهی و پخش شده‌اند. در این گزارش آمده است جنگ اطلاعاتی که در ادبیات نظامی به نام «عملیات روانی» شناخته می‌شود، سابقه‌ای به قدمت جنگ دارد، اما آنچه میان ایران و اسرائیل رخ‌داد در نظر شدت، هدفمندی و استفاده از ابزارهای نوین بی‌سابقه بود. میلیون‌ها نفر در ایران و سراسر جهان در حالی‌که تصاویر واقعی و جعلی را در گوشی‌های خود مرور می‌کردند، در معرض این جنگ روانی قرار گرفتند.

■ **هوش مصنوعی در میدان**

نیویورک تایمز می‌نویسد اسرائیل در این عملیات از ویدئوهایی با ارویان زن استفاده کرده که توسط هوش مصنوعی تولید شده‌اند و به زبان فارسی پیام‌هایی مبنی بر عادی بودن وضعیت تهران و بی‌اعتمادی به حکومت ایران منتقل می‌کردند و مقابل، ایران نیز در جریان این درگیری پیام‌هایی به زبان عبری برای شهر و ندان اسرائیلی ارسال کرد و هشدار داد پناهگاه‌ها هدف حمله قرار خواهند گرفت.

جیمز فارست، استاد مطالعات امنیتی دانشگاه ماساچوست در این گزارش می‌گوید: «ما هرگز در تاریخ نمونه‌ای نداشته‌ایم که بتوان در چنین مقیاسی دست به انتشار اطلاعات جعلی زد.» این روزنامه به نقل از پژوهشگران گزارش می‌دهد حمله به اوین نمونه‌ای چشمگیر از هماهنگی میان عملیات فیزیکی و جنگ اطلاعاتی بوده است، چنانچه ویدئوی جعلی انفجار در اوین بلافاصله در شبکه‌ای از حساب‌های ناشناس پخش شد و میلیون‌ها بازدید در یافت کرد.

■ **روایت‌های ساختگی از سوی «موساد»**

به گفته این روزنامه، حتی پس از پایان رسمی درگیری آتش‌پس از، عملیات روانی ادامه یافت. یک روز پس از توافق آتش‌پس، حسابی جعلی در پلتفرم ایکس به زبان فارسی اعا کرد که سخنگوی سازمان اطلاعات خارجی اسرائیل (موساد) است و وعده کمک مالی و درمانی به مخالفان ایرانی را داد. این حساب حتی ویدئوهایی از منشه امیر، روزنامه‌نگار اسرائیلی ایرانی تبار منتشر کرد. امیر تأیید کرده گروهي ناشناس



با تجهیزات تصویربرداری به متزلزل رفتند و از او خواستند پیام‌هایی از پیش نوشته شده را در برابر دوربین به زبان فارسی بخواند. در پایان گزارش، نیویورک تایمز به نقل از کارشناسان می‌نویسد اگرچه تأثیر قطعی جنگ روانی بر نتایج نظامی قابل اندازه‌گیری نیست، اما این نوع عملیات می‌تواند برداشت عمومی از جنگ را به طور جدی شکل دهد.

■ **تراژدی‌ای که زبان نیویورک تایمز را فارسی کرد**

نیویورک تایمز به غیر از این گزارش، در گزارشی اختصاصی که روز ۹ ژوئیه (۱۸ تیر ۱۴۰۴) به زبان فارسی منتشر کرد هم به شرح جزئیاتی از حمله به زندان اوین پرداخت. این گزارش با استناد به تصاویر ماهواره‌ای، منابع پزشکی، شهادت زندانیان و خانواده‌های قربانیان، ابعاد انسانی، فنی و ساختاری این حمله را مورد بررسی قرار داده است. به گزارش نیویورک تایمز، حمله بامداد شنبه ۷ تیر ماه، بخش‌هایی از زندان اوین از جمله ساختمان ملاقات، بهداری، کتابخانه، انبار غذا و بخش‌های اداری را هدف قرار داد. به نقل از گروه «فوربز نرک آرتیکچر» که تصاویر ماهواره‌ای حمله را

تحلیل کرده، آثار اصابت در چند نقطه مختلف تأیید شده است. بر اساس این گزارش، در اثر حمله، سقف برخی بخش‌ها فرو ریخت، وسایل پزشکی اداری نابود شدند و تعدادی از پیکرهای مطهر شهدا در میان آوار رها شدند. به گفته منابع پزشکی، دست‌کم ۷۹ نفر در این حمله جان باختند. گزارش همچنین شامل روایت‌های شاهدان عینی است. لیلا جعفرزاده، یکی از مراجعان به ملاقات، به گفته خانواده‌اش پس از ورود به سالن ملاقات دیگر به تماس‌ها پاسخ نداد. زهرا

عبادی، مددکار اجتماعی در جریان حمله به همراه پسر پنج‌ساله‌اش به شهادت رسید. تعدادی از کودکان نیز که برای ملاقات والدینشان به زندان آمده بودند، در این حمله جان باختند. بنابر این گزارش، پس از حمله، زندانیان به کمک رسانه‌ی به یکدیگر پرداختند. برخی افراد را با طناب‌های دست‌ساز از آوار بیرون کشیدند و تلاش‌هایی برای امدادرسانی ابتدایی صورت گرفت. نیویورک تایمز همچنین اعلام کرد گروه‌های حقوق بشری از جمله غریب‌بن الملل و دفتر حقوق بشر سازمان ملل، حمله به زندان اوین را مصداق «جنایت جنگی» دانسته‌اند.

■ **وحدت حتی در زندان**

شاید یکی از تراژدی‌های غرور آمیز در روایت حمله به زندان اوین، شرح ماجرای نجات یک پزشک از زیر آوار توسط زندانیان است. یکی از پزشکان زندان که در لحظه حمله در ساختمان ملاقات حضور داشت، می‌گوید پس از اصابت موشک و فرو ریختن سقف، این زندانیان بودند که بدون لحظه‌ای تردید او را زیر آوار بیرون کشیدند. این واقعه نشان داد در زندان هم عرق ملی و حس نوع‌دوستی زنده است. اتفاقاً این حمله نه تنها موجب آشنسوب در میان زندانیان شد، بلکه موجب نوعی همدلی و بازسازی حس ملی‌گرایی در یکی از مکان‌های حساس کشور شد. روایتی که دقیقاً خلاف انتظار طراحانش بود.

■ **تاکتیک عوض شد، هدف همان است**

به نظر می‌رسد حمله به زندان اوین می‌توانست بخشی از یک پازل بزرگ‌تر بوده باشد. پروژه‌ای که پیش‌تر در سال ۱۴۰۱ کلید خورد و قرار بود در ۱۴۰۴ با شدت بیشتری تکرار شود. نقشه‌ای که بر پایه حمله فیزیکی به زیرساخت‌های حساس، تحریک افکار عمومی از طریق شبکه‌های اجتماعی، سوءاستفاده از چهره‌های رسانه‌ای معارض و در نهایت کشاندن اعتراضات به فاز شورش بنا شده بود.

نقش رسانه‌هایی مانند اپترنشال، بی‌بی‌سی فارسی و برخی فعالان اپوزیسیون خارج‌نشین در برجسته‌سازی این حمله، همراه با تحلیل‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، نشان داد چرخ‌دنده‌های این پروژه تا چه حد دقیق چیده شده بود. اما مانند سال‌ال ۱۴۰۱، این بار نیز انسجام و پایداری اجتماعی در برابر هجمه، مانع تحقق کامل اهداف شد.

حمله به اوین نه یک «اقدام نمدان» بلکه یک حرکت محاسبه‌شده با هدف بی‌ثبات‌سازی ایران بود. این حمله نشان داد ایران استیزان پس از ناکامی پروژه‌های ۱۴۰۱، به دنبال بازتولید بحران‌ها و شکاف‌های اجتماعی با ابزارهای جدیدند. اما چیزی که آن‌ها در معادلاتشان نمی‌گنجانند، انسجام مردمی در لحظه بحران است؛

همان عصری که پروژه‌هایشان را ناکام می‌گذارد. زندان اوین از نظر آن‌ها قار بود تبدیل به نقطه انفجار باشد، اما به نقطه وحدت و هوشیاری تبدیل شد و این همان جاست که باید بیشترین توجه را داشت. پروژه‌های ایران‌ستیزی تمام‌شده‌اند اما تجربه تاریخی مای گوید اگر روایت صحیح، همبستگی اجتماعی و مقاومت نهادهی‌شده، هیچ راکتی به هدف اصلی نخواهد نشست.

چرا نباید فربد دروغ غنی‌سازی یک درصدی را که بلیکن به جامعهٔ آمریکا گفت، بخوریم

پل انتقال عملیات روانی نباشیم

اظهارات اخیر آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه پیشین ایالات متحده در دولت بایدن، در مصاحبه‌ای با پادکست کریستین امانپور، روزنامه‌نگار مشهور آمریکایی و همسر سابقش موجی از بحث‌ها و واکنش‌ها را در فضای سیاسی و رسانه‌ای برانگیخته است. بلینکن در این مصاحبه مدعی شد ایران پیش از حملات نظامی اسرائیل در ژوئن ۲۰۲۵، در هماهنگی با کشورهای اروپایی، پیشنهاد کاهش غنی‌سازی اورانیوم به زیر یک درصد را پذیرفته بود و حتی آمادگی خود را برای مذاکره درباره برنامه موشکی و محدودیت‌های مربوط به کلاهک‌های موشکی را اعلام کرده بود. اظهارات آنتونی بلینکن در مصاحبه با کر بیستین امانپور بخشی از یک استراتژی سیاسی و رسانه‌ای است که در درجه اول برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی می‌رکم و در درجه دوم برای ایجاد شکاف در فضای سیاسی ایران طراحی شده است. این ادعاها که فاقد شواهد مستندند، با مواضع رسمی ایران در مورد خطر قرمز بودن حق غنی‌سازی و غیرقابل مذاکره بودن برنامه موشکی در تضادند. درعین حال این موضوع درس مهمی برای تصمیم‌گیران رسانه‌ای ایران دارد، مبنی بر اینکه در دنیای رسانه‌ای جهانی‌شده، اظهارات مقامات نمی‌توانند صرفاً برای یک مخاطب خاص طراحی شوند، زیرا به سرعت در سطح جهانی بازتاب می‌یابند.

■ ■ ■

■ **دروغ سیاسی بلینکن**

بلینکن در مصاحبه خود اظهار داشت ایران در مذاکرات غیر مستقیم با میانجی‌گری اروپا، پیشنهادهایی را برای کاهش سطح غنی‌سازی اورانیوم به زیر یک درصد ارائه داده بود. او همچنین ادعا کرد ایران پذیرفته بود درباره برنامه موشکی خود و حتی نحوه ساخت کلاهک‌های موشکی مذاکره کند. بلینکن هشدار داد اگر دولت ترامپ نتواند به توافقی جدید با ایران دست یابد، ایران ممکن است برنامه هسته‌ای خود را به سمت تسلیحاتی شدن سوق دهد و تأسیسات خود را در مکان‌هایی مقاوم در برابر حملات نظامی بازسازی کند. این اظهارات در حالی مطرح شده‌اند که ایالات متحده و اسرائیل در ژوئن ۲۰۲۵ حملات گسترده‌ای را علیه تأسیسات هسته‌ای ایران، از جمله سایت‌های تلنژ، فردو و اصفهان انجام دادند. پس از این حملات ترامپ مدعی شد برنامه هسته‌ای ایران را «ناپود» کرده، بلینکن اما در این مصاحبه، ضمن انتقاد از تصمیم ترامپ برای حمله نظامی، آن را «غیر ضروری و غیرعقلانی» خواند و مدعی شد این اقدام ممکن است ایران را به سمت تسلیحاتی شدن برنامه هسته‌ای سوق دهد. او با چنین اظهاراتی تلاش دارد ادعای نابودی تأسیسات هسته‌ای ایران را که ترامپ مدعی آن است زیر سؤال ببرد و رقیب سیاسی دموکرات‌ها را عامل تشدید تنش معرفی می‌کند.

■ **مخاطب افکار عمومی آمریکا ست**

اظهارات بلینکن را می‌توان در چهارچوب رقابت سیاسی داخلی در ایالات متحده تحلیل کرد. با توجه به تقابل سیاسی میان دولت بایدن و دولت جدید ترامپ، بلینکن تلاش دارد با طرح این ادعاها، تصویری جنگ طلبانه از ترامپ ارائه دهد. ترامپ بارها دولت بایدن را به جنگ علنی متهم و خود را به‌عنوان شخصیتی صلح طلب معرفی کرده که حتی شایسته در یافت جایزه صلح نوبل است. در مقابل، بلینکن با تأکید بر اینکه حملات نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران می‌تواند پیامدهای منفی



داشته باشد، سعی دارد این روایت را به چالش بکشد. بلینکن با ادعاهایی مبنی بر پیشنهادهای ایران برای کاهش غنی‌سازی و مذاکره درباره برنامه موشکی، این پیام را به مخاطبان آمریکایی منتقل می‌کند که دولت بایدن زمینه را برای یک توافق دیپلماتیک فراهم کرده بود، اما اقدامات نظامی ترامپ این فرصت را از بین برد.

■ **صدا به ایران هم می‌رسد**

اثر دومی که بلینکن خواسته با ناخواسته با این مصاحبه بر جا می‌گذارد ایجاد شکاف و تنش در فضای سیاسی داخلی ایران است. طرح ادعاهایی مبنی بر اینکه ایران حاضر به پذیرش محدودیت‌های گسترده در برنامه هسته‌ای و موشکی خود بوده، می‌تواند در داخل ایران به سوءتفاهم‌ها و انتقادهای داخلی دامن بزند. این اظهارات ممکن است این تصور را ایجاد کند که دولت ایران و تیم مذاکره‌کننده به رهبری سیدعباس عراقچی، در مذاکرات غیر مستقیم امتیازات بیش از حدی را پیشنهاد داده است. چنین ادراکی می‌تواند به تضعیف اعتماد عمومی به دولت و ایجاد تنش میان جناح‌های سیاسی مختلف منجر شود. این استراتژی با هدف تضعیف انسجام داخلی ایران و ایجاد فشار بر تصمیم‌گیران ایرانی طراحی شده است. بااین‌حال این ادعاها با مواضع رسمی ایران، به‌ویژه اظهارات عراقچی درباره خطر قرمز بودن حق غنی‌سازی، در تضاد و فاقد شواهد معتبر است. زمانی که طرف مقابل با هدف مصرف داخلی یا عملیات روانی در داخل ایران اظهاراتی را مطرح می‌کند چهره‌های سیاسی و رسانه‌ای داخلی باید عملیات روانی را خنثی کنند، نه اینکه با فهم غلط خود به ابزاری برای تشدید آن تبدیل شوند و اهداف طرف مقابل را محقق کنند.

■ **غنی‌سازی زیر درصد اعتبار علمی ندارد**

بلینکن مدعی شده ایران پذیرفته بود غنی‌سازی اورانیوم را به زیر یک درصد کاهش دهد که به گفته او حتی کمتر از سطح ۳/۶۷ درصد تعیین شده در

کرد. این مطالبه به‌روشنی با هدف محدود کردن توان بازدارندگی ایران مطرح شده است، به‌ویژه پس از آنکه ایران در جریان جنگ تحمیلی اخیر (جنگ ۲۰روزه) توانایی موشکی خود را به نمایش گذاشت و آمریکا و اسرائیل پس از مشاهده توان موشکی ایران وادار به پذیرش آتش‌بس شدند. اسرائیل با این مطالبه سعی دارد شرایطی را به ایران تحمیل کند که ایران را از وضعیت تهدید برای اسرائیل خارج کند و با معرفی تهران به‌عنوان تهدیدی که صرفاً توان تهاجم به کشورهای همسایه را دارد، پروژه انزوای منطقه‌ای ایران را پیش ببرد. بلینکن با این جملات این گونه القا می‌کند که ایران به مطالبه‌ای در مذاکرات تن داده که در حقیقت مطالبه اسرائیل است، حال آنکه این ادعای جعلی که منجر به تقابل‌های سیاسی در ایران می‌شود ریشه در واقعیت ندارد؛ چراکه پذیرش چنین محدودیتی از سوی ایران به معنای تضعیف توان دفاعی‌اش در برابر تهدیدهای اسرائیل است و با سیاست‌های کلان ایران همخوانی ندارد.

■ **رسانه دیوار ندارد**

اظهارات بلینکن، اگرچه در درجه اول برای مخاطبان آمریکایی طراحی شده‌اند، به دلیل دسترسی گسترده به اطلاعات، به‌سرعت در ایران نیز بازتاب یافته‌اند. این اظهارات می‌توانند اثرات روانی و سیاسی در داخل ایران داشته باشند. یکی از نکات کلیدی این موضوع، درس‌هایی است که تصمیم‌گیران رسانه‌ای ایران می‌توانند از آن بیاموزند، به‌عنوان مثال، رئیس‌جمهور ایران اخیراً در مصاحبه‌ای با یک پادکستر آمریکایی اظهاراتی را مطرح کرد که با هدف تأثیرگذاری بر افکار عمومی آمریکا طراحی شده بود. باین‌حال این اظهارات که انتقادهایی نیز به بخش‌هایی از محتوای آن وارد است در داخل ایران با واکنش‌های منفی مواجه شد، زیرا مخاطبان ایرانی نیز به آن دسترسی پیدا کرده‌اند. هماهنگ‌کنندگان این مصاحبه ادعا کرده‌اند هدف صرفاً تأثیرگذاری بر مخاطبان آمریکایی بوده، اما این توجه‌نشان‌دهنده درک نادرست از ماهیت جهانی رسانه‌ها ست. در دنیای امروز که اطلاعات به‌سرعت در سراسر جهان منتشر می‌شوند، نمی‌توان مخاطبان را به‌صورت کامل تفکیک کرد. اظهاراتی که برای یک مخاطب خارجی طراحی شده‌اند، به‌راحتی می‌توانند در داخل کشور بازتاب یابند و اثرات ناخواسته‌ای ایجاد کنند که در آن اظهارات مقامات در نیاز به هماهنگی بیشتر در استراتژی‌های رسانه‌ای ایران و توجه به پیامدهای داخلی اظهارات مقامات در رسانه‌های بین‌المللی است. البته این موضوع به معنی نفی فرصت استفاده از بسترهای رسانه‌ای مستقل در جهان نیست اما حضور بدون طراحی باعث می‌شود نتایجی کاملاً معکوسی حاصل شود.

ایران می‌تواند از ابزارهای دیپلماسی عمومی، مانند مصاحبه‌های هدفمند با رسانه‌های مستقل بین‌المللی و انتشار محتوای چندزبانه، برای ارائه روایت خود از مذاکرات و سیاست‌هایش استفاده کند؛ اما تصمیم‌گیران ایرانی باید استراتژی رسانه‌ای منسجمی را تدوین کنند که در آن اظهارات مقامات در رسانه‌های خارجی بادقت بیشتری تنظیم شود. این استراتژی باید پیامدهای داخلی و خارجی اظهارات را به‌طور هم‌زمان در نظر بگیرد. برای جلوگیری از تأثیرگذاری منفی ادعاهایی مانند اظهارات بلینکن، ایران باید همچنان ضمن رد چنین مواضعی به شکلی صریح بر مواضع خود در مورد خطوط قرمز مذاکرات هسته‌ای و موشکی تأکید کند تا هم از سوءتفاهم‌ها و شایعات جلوگیری و هم هر گونه مطالبه غیر واقعی را در نقطه خفه کرده باشد.

فرهنگ‌نخبگان

پس‌زمینه

منابع



پنجشنبه ۲۶ تیر ۱۴۰۴



شماره ۴۴۶۱



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

